

زندگی در خانواده جدید خدا

کلمان تندو، کارآموز شبانی

افسیسیان 22-۲:11

خطبه 11 ژوئن 2023

عصر همگی بخیر.

برگشتن یک نعمت است.

با تشکر از شما خانواده یک صدا که در حوزه علمیه با من و برای من دعا کردید.

من همین چند روز پیش فارغ التحصیل شدم و در مورد کاری که خداوند در زندگی ما اینجا در One Voice ادامه خواهد داد، هیجان زده هستم.

با هم بودن به عنوان افراد رستگاری شده از قبیله ها، زبان ها و ملل مختلف نشان می دهد که در واقع خدا ما را با خود و با یکدیگر در مسیح آشتی داده است.

همانطور که درد تعارض را بین خود تجربه می کنیم، یاد می گیریم که با یکدیگر آشتی کنیم و صلح کنیم.

گذر امروز نشان می دهد که ما به عنوان فرزندان خدا، همه آنچه برای صلح طلب بودن لازم است داریم.

اکنون کلام خداوند را از افسسیسیان ۲: 11-22 بشنوید.

11 پس به یاد داشته باشید که در یک زمان شما غریبه‌بودیان در جسم،

خفته نامیده می شود و به وسیله دست در بدن ساخته می شود.

12 به یاد داشته باشید که در آن زمان از مسیح جدا شده بودید،

بیگانگان از کشورهای مشترک المنافع اسرائیل و بیگانگان به پیمان های موعود، بی امید و بی خدا در جهان.

13 اما اکنون در مسیح عیسی شما که زمانی دور بودید توسط خون مسیح نزدیک شده اید.

14 زیرا او خود صلح ماست که ما را یکی ساخته و دیوار جداکننده دشمنی را در بدن خود فرو ریخت.

15 با لغو قانون احکام بیان شده در احکام،

تا در خود یک انسان جدید به جای آن دو بیافریند، پس صلح کند،

16 و ممکن است هر دوی ما را با خدا در یک بدن از طریق صلیب آشتی دهد و بدین وسیله دشمنی را از بین ببرد.

17 و او آمد و بر شما که دور بودید، سلامتی و بر کسانانی که نزدیک بودند، موعظه کرد.

18 زیرا به واسطه او هر دو به یک روح به پدر دسترسی داریم.

19 پس شما دیگر غریب و بیگانه نیستید، بلکه با مقدسین و اعضای خاندان خدا همشهری هستید.

20 بر پایه‌ی رسولان و انبیا ساخته شد و خود مسیح عیسی سنگ بنای آن بود.

21 که در آن تمام ساختمان با پیوستن به هم، به معبدی مقدس در خداوند تبدیل می‌شود.

22 شما نیز در او با هم ساخته می‌شوید و به وسیله‌ی روح برای خدا مسکنی می‌سازید.

کشیش انگلیسی جان استات درباره این متن نوشت:

پولس زندگینامه معنوی خوانندگان غیر یهودی خود را در سه مرحله دنبال می کند...

این سه مرحله با عبارات «یک زمان» (آیه 11)، «اما اکنون» (آیه 13) و «پس آنگاه» (آیه 19) مشخص شده‌اند.

من این پیام را با استفاده از همین نکات سازماندهی کرده ام:

(1) آنچه ما زمانی بودیم (آیات 11-12).

(۲) آنچه مسیح انجام داده است (آیات 13-18).

و (3) آنچه شده ایم (آیات 19-22).

قبل از اینکه با اولین نکته خود شروع کنیم، دعا کنیم.
پدر، ما از شما برای کلام و قدرت آن در تغییر زندگی سپاسگزاریم.
دعا می‌کنیم که دل و ذهن ما را روشن کنید.
ما دعا می‌کنیم که کلام شما ما را با تصویر پسر شما شکل دهد، قالب دهد و مطابقت دهد.
باشد که روح شما حتی اکنون ما را پر کند.
به من کمک کن که حرف تو را با مردمت می‌گویم.
و به مردم خود در هنگام گوش دادن به آنها کمک کنید.
من دعا می‌کنم که با هم برای تجلیل از شما در هر کاری که انجام می‌دهیم، پرورش و انگیزه پیدا کنیم.
ما این توکل را به نام پدر، پسر و روح القدس دعا می‌کنیم، آمین!

نکته 1: آنچه ما زمانی بودیم (آیات 11-12).

عبارت "در یک زمان" ما را به گذشته نشان می‌دهد.
ما می‌توانیم فراموش کنیم که امروز چقدر ممتاز هستیم، مگر اینکه به یاد بیاوریم که معنای بی‌نظیری چیست.
پولس از افسسیان می‌خواهد که «به خاطر داشته باشند» که قبل از ملاقات با مسیح چه وضعیتی داشتند.
به عنوان غیریهودیان، مؤمنان در افسس توسط یهودیان "ناخته" نامیده می‌شدند.
همه پسران اسرائیلی در 8 روزگی ختنه شدند.
این ختنه "به دست در بدن ساخته شد." هر غیریهودی که مایل به عضویت در جامعه عهد خدا بود، باید ختنه می‌شد، زیرا نجس تلقی می‌شد.

این توضیح می‌دهد که آیه 12 به چه چیزی اشاره دارد.
غیریهودیان افسسی "بی مسیح، بی تابعیت، بی دوست، ناامید و بی خدا" بودند.
این توصیف مرا به یاد آنچه اشعیا در مورد افرادی که خارج از جامعه عهد خدا هستند می‌اندازد.
اشعیا 8:22 می‌گوید:

22 «و به زمین نگاه خواهند کرد، اما اینک، تنگی و تاریکی، تاریکی اندوه.
و در تاریکی غلیظ رانده خواهند شد.»

با این حال، خدا نمی‌خواهد که ما در تاریکی غلیظ بمانیم.
شاهزاده صلح در جایی که تاریکی و اندوه بود، نور را به ارمغان آورد.
به آنچه اشعیا بعداً در اشعیا 9:1a, 2 نوشت گوش دهید:
1a «اما برای او که در اندوه بود هیچ ظلمی وجود نخواهد داشت...
۲ قومی که در تاریکی راه می‌رفتند، نور عظیمی دیده‌اند.
کسانی که در سرزمین تاریکی عمیق ساکن بودند، نور بر آنها درخشید.»

این تاریکی نتیجه لامپ‌های خاموش نیست.
اشعیا در مورد تاریکی رابطه جدا شدن از خدا صحبت می‌کند.
عیسی مسیح با آن تاریکی روی صلیب روبرو شد و آن را شکست داد.

متی 27:45-46 می گوید:

«اکنون از ساعت ششم تاریکی تمام زمین را تا ساعت نهم فرا گرفت.

و حدود ساعت نهم عیسی با صدای بلند فریاد زد و گفت:

«الی، الی، لما ساباکتانی؟»

یعنی خدای من، خدای من، چرا مرا رها کردی؟»

بر روی صلیب، خدای پسر در تاریکی فرو رفت.

او به خاطر انسانیت بیگانه از خدای پدر بیگانه شد.

او به خاطر گناه تو و من این عذاب را دید.

اما، چون مسیح رها شد، اکنون پذیرفته شده ایم.

این ما را به نکته دوم می رساند.

نکته ۲: آنچه عیسی مسیح انجام داده است (آیات 13-18).

در آیات 13 تا 18، عبارت "اما اکنون" ما را به تغییر موضوع، از آنچه زمانی بودیم به آنچه مسیح انجام داده بود، اشاره می کند.

آیه 13 می گوید:

13 «اما اکنون در مسیح عیسی شما که زمانی دور بودید توسط خون مسیح نزدیک شده اید.»

ممکن است تعجب کنید که چرا خون مورد نیاز است.

عبرانیان 9:22 ب به ما می گوید که:

«بدون ریختن خون، آمرزش گناهان نیست.»

مرگ مجازات گناه در برابر خدای مقدس است.

فقط خون یک فرد کامل از نظر قدوسیت و پاکی می تواند در حضور خدای پدر پذیرفته شود.

دوم قرنیتیان 5:21 می گوید:

«خداوند به خاطر ما، او را گناهکار کرد که گناه نمی دانست، تا در او عدالت خدا شویم.»

از طریق ریختن خون مسیح می توانیم بخشش گناه را دریافت کنیم و به خدا نزدیک شویم.

به همین دلیل است که آیه 14 می گوید:

14 زیرا او خود صلح ماست که ما را یکی ساخته و دیوار جداکننده دشمنی را در بدن خود فرو ریخت.

عیسی کاری را انجام داد که هیچ کس دیگری نمی توانست انجام دهد. او زندگی خود را به خطر انداخت.

او مرد تا من و تو با خدا در آرامش باشیم.

صلح کتاب مقدس «بهزیستی، رفاه و امنیت کامل مرتبط با حضور خدا در میان قومش است.»

مرگ و رستاخیز عیسی این امکان را برای یهودیان و غیریهودیان فراهم کرد تا صلح را تجربه کنند.

"دیوار خصومت" در آیه 14 به جدایی روحانی و به دیوار فیزیکی در معبد اشاره دارد.

به توصیف یک مورخ از آن دیوار گوش دهید:

«[دیوار خصومت] یکی از ویژگی‌های قابل توجه معبد باشکوهی بود که در اورشلیم توسط هیروودیس بزرگ ساخته شد.

خود ساختمان معبد بر روی یک سکوی مرتفع ساخته شده است.

اطراف آن صحن کاهنان بود.

شرق آن صحن اسرائیل بود و در شرق آن صحن زنان.

این سه صحن - برای کاهنان، مردان و زنان اسرائیل - در همان ارتفاع معبد قرار داشتند.

از این سطح یک پنج پله به یک سکوی دیواری فرود آمد.

سپس در آن سوی دیوار، چهارده پله دیگر به دیوار دیگری رسید، که آن سوی آن صحن بیرونی غیریهودیان بود...

غیریهودیان می توانستند به معبد نگاه کنند و ببینند، اما اجازه نداشتند به آن نزدیک شوند.

آنها توسط سنگری اطراف با هشدارهای یونانی و لاتین از آن جدا شده بودند.

آنها در واقع می خوانند: "متخلفان اعدام خواهند شد."

وقتی مسیح به خاطر گناه ما اعدام شد، این دیوار خصومت را که یهودیان و غیریهودیان را از خدا و یکدیگر جدا می کرد، کشت. وقتی پولس این نامه را به افسس نوشت، آن دیوار سنگی معبد همچنان پایرجا بود. اما دیوار روحانی قبلاً از طریق مرگ مسیح بر روی صلیب برداشته شده بود. پولس همچنین به ما نشان می دهد که چگونه مسیح دیوار خصومت را در آیه 15 برداشت: 15 «با لغو شریعت احکامی که در احکام بیان شده است، تا در خود یک انسان جدید به جای آن دو بیافریند، پس صلح کند.»

آیا این بدان معناست که عیسی شریعت خدا را حذف کرد؟

به هیچ وجه.

در اینجا دو مورد باید در نظر گرفته شود:

1. «قانون احکام» ممکن است به قوانین تشریفاتی اشاره داشته باشد که غیریهودیان نمی توانستند در آن شرکت کنند زیرا ختنه نشده بودند.

این قوانین تشریفاتی در عیسی مسیح که قربانی کامل ما شد، تحقق یافت.

بنابراین، او آن اعمال را با انجام آنها لغو کرد تا ما نیازی به بخشش خون گاو نر نداشته باشیم.

2. یا پولس ممکن است به اطاعت از شریعت به عنوان راهی برای نجات اشاره کند.

بسیاری از یهودیان فکر می کردند که می توانند با اطاعت از شریعت نجات پیدا کنند.

اما بشارت انجیل نشان داد که نجات تنها با ایمان به مسیح عیسی است.

نکته در هر دو مورد این است: هیچ کار انسانی نمی تواند کسی را نجات دهد.

فقط از طریق کار مسیح ما نجات پیدا می کنیم.

به همین دلیل است که در مرگ و رستاخیز مسیح، غیریهودیان و یهودیان هر دو با خدا آشتی کرده اند.

ما از طریق صلیب عیسی مسیح به یک قوم خدا، یک بدن مسیح، یک کلیسا تبدیل شده ایم.

یکی از مفسران اینگونه بیان می کند:

«مسیح در مرگش کشته شد. اما مقتول هم قاتل بود.»

وقتی مسیح کشته شد، دشمنی را که ما را از خدا و از یکدیگر جدا می کرد، کشت.

بله ما اختلافاتی داریم.

اما مشترک بودن مسیح به این معنی است که ما می توانیم وحدت را در تنوع خود تجربه کنیم.

لطفاً به من اجازه دهید آنچه را که در آیات 13 تا 18 دیده ایم خلاصه کنم:

اول، «صلح قبل از اینکه یک فعالیت باشد، یک شخص است.

صلح قبل از اینکه موعظه باشد یک انسان است.

به این دلیل است که مسیح مظهر صلح خداست که مسیح می تواند صلح و همچنین صلح را اعلام کند.»

دوم اینکه ما دیگر دشمن خدا و یکدیگر نیستیم زیرا دیوار خصومت برداشته شده است.

حال، ما که ایمان داریم در مسیح یکی هستیم.

سوم، این کار تثلیث است.

آیه 18 می گوید:

«زیرا به واسطه او [عیسی مسیح] هر دو در یک روح به پدر دسترسی داریم.»

این نیازمند جامعه تثلیث است تا جوامع ما را آشتی دهد.

ما به یک مداخله فراطبیعی نیاز داریم.

برای داشتن صلح با خدا، ابتدا باید در حضور خدا، از طریق پسر او، و با قدرت روح القدس بازیابی شویم.

نکته 3: آنچه اکنون شده ایم (آیات 19-22).

شاید یک حکایت به ما در درک این نکته کمک کند.

به عنوان دانشجوی به مدت 4 سال اینجا در ایالات متحده، ویزای من "بیگانه غیر مهاجر" است. شاید شما هم مثل من اقامت دائم این کشور را نداشته باشید.

شاید شما منتظر هستید تا دولت ایالات متحده رسیدگی به وضعیت شما را به پایان برساند.

نکته ای که پولس در این آیات به آن اشاره می کند این است که در مسیح، شما از قبل بهترین موقعیت را دارید. دوستان من الان نزدیک به 10 سال است که در کشورهای خارجی زندگی می کنم.

خیلی جاها احساس غریبی کرده ام.

اما من هرگز در کلیسا احساس غریبی نکرده ام.

این به این دلیل است که در کلیسا، مسیح بالاترین شهروندی را برای ما فراهم کرده است، شهروندی آسمانی. این بهتر از گرین کارتی است که برخی از شما مشتاقانه منتظر آن هستید.

این بهتر از داشتن تابعیت آمریکایی است.

همه این موقعیت ها محدود به مرزهای ملی است و در خدمت تفرقه بین مردم است.

اما شهروندی آسمانی که مسیح برای ما به دست آورده است، «بیگانگان غیرمهاجر» را به شهروندان تبدیل می کند. دوباره به افسسیان ۲:19 گوش دهید.

19 پس شما دیگر غریب و بیگانه نیستید، بلکه با مقدسین و اعضای خاندان خدا همشهری هستید. به دلیل آنچه مسیح برای شما انجام داده است، مهم نیست که از چه قومی هستید، دیگر نیستید: "بی مسیح، بی وطن، بی دوست، ناامید و بی خدا."

حالا شما فرزندان خدا هستید.

کلیسا ایالت خانه شماست.

شما برادران و خواهران روحانی از سراسر جهان دارید.

شما به آینده امید دارید و خدا پدر شماست.

به خاطر مسیح، همه ما «همشهریان» شهر آسمانی هستیم که عبارت بود از:

20 «بر پایه‌ی رسولان و انبیا بنا شده و خود مسیح عیسی سنگ بنای آن است.»

منظور پولس این نیست که رسولان و انبیا به خودی خود ستون های کلیسا هستند. بلکه منظور از آن چیزی است که آنها آموختند، اقرار کردند و اقرار کردند.

کلیسا بر اساس آموزه های کتاب مقدس، بر اساس حقیقت کتاب مقدس ساخته شده است.

پیامبران نمایندگان دوره عهد عتیق و رسولان نمایندگان عهد جدید هستند.

پیامبران درباره آمدن مسیح صحبت کردند و رسولان مسیحی را که قبلاً آمده بود موعظه کردند.

بنابراین، کلیسا بر اساس حقیقت در مورد مسیح و کار او بنا شده است.

به همین دلیل است که پولس رسول مسیح عیسی را سنگ بنای کلیسا می خواند.

زیرا او پیام و شخصیت اصلی کتاب مقدس است.

مسیح آمد تا مشکل گناه را حل کند که هم افراد عهد عتیق و هم عهد جدید قادر به حل آن نبودند.

پس از برقراری صلح، اکنون عیسی لنگر ما است، که می‌توانیم تمام ابدیت خود را روی او بگذاریم.

آیه 21 می گوید:

"21 که در آن تمام ساختمان، با پیوستن به هم، به معبدی مقدس در خداوند تبدیل می‌شود.

مسیح مانند رباطی است که برای قومش استخوان های بدن انسان را به هم می پیوندد.

او ما را به هم متصل می کند و به هم نزدیک می کند.

برای اینکه یک صدا وحدت را تجربه کند، باید به مسیح تکیه کنیم.
چرا؟ زیرا در او می‌توانیم صلح، آشتی، اتحاد و هماهنگی واقعی را بیابیم.
ما اختلاف نظر، فرهنگ و پیشینه داریم.
اما همه آن چیزها به اندازه وحدتی که در مسیح داریم مهم نیستند.
این وحدتی است که فراتر از مرزهای ملی و فرهنگی ماست، حتی خود زمان.
به عنوان برادر و خواهر در مسیح، ما همیشه یکی خواهیم بود - هم اکنون و هم در زندگی آینده.
در یوحنا 17:20-21، مسیح دعا کرد که کلیسا یکی باشد، همانگونه که او و پدر یکی هستند.
و او همچنان برای ما دعا می‌کند تا آنچه را پولس در افسسیان 2:22 توصیف می‌کند تجربه کنیم.
22 «شما نیز در او با هم ساخته می‌شوید و به‌وسیله‌ی روح برای خدا مسکنی می‌سازید.»

این آیه به ما می‌گوید که ما به تنهایی نمی‌توانیم وحدت را حفظ کنیم.
ما به روح القدس نیاز داریم تا این وحدتی را که مسیح انجام می‌دهد حفظ کنیم.
همان خدایی که با ما صلح می‌کند همان خدایی است که به ما در حفظ آرامش کمک می‌کند.
باشد که روح مسیح قلب و ذهن ما را پر کند، زیرا ما در اینجا یک صدا هستیم تا صلح‌جو باشیم.
صلح و اتحاد مستلزم دعا و تلاش است.
برخی از ما در One Voice اهل کشورهای غیر غربی هستیم.
ما از گفتن حقیقت به نام عشق و حفظ روابط احساس ترس می‌کنیم.
ما گاهی اوقات "صلح‌سازی" را با صلح طلبی اشتباه می‌گیریم.
از طرف دیگر، برخی از برادران و خواهران آمریکایی ما با حقیقت بسیار مستقیم هستند.
صراحت آنها می‌تواند روابط را به دلیل رک بودنشان از بین ببرد.
اما هیچ یک از این رویکردها به ما کمک نمی‌کند که صلح طلب باشیم.
فرزندان خدا نه به صلح طلبی و نه ویرانگر روابط فرا خوانده می‌شوند.
ما دعوت شده‌ایم تا صلح‌ساز باشیم که حقیقت را با عشق می‌گوییم همانطور که در افسسیان 4:15 می‌خوانیم.
ما به عنوان بدن مسیح به عشق واقعی و حقیقت محبت آمیز نیاز داریم.
زیرا عشق بدون حقیقت ریا است و حقیقت بدون عشق وحشیگری است.
این دیدگاه جدیدی است که صلح طلبان باید داشته باشند.
و خداوند ما عیسی در متی 5:9 به صلح‌جویان وعده می‌دهد.
او می‌گوید: "خوشا به حال صلح‌کنندگان، زیرا آنها پسران خدا خوانده خواهند شد."
در فرهنگ امروز ما، همه می‌خواهند و می‌خواهند که درک شوند.
با این حال، هیچ کس نمی‌خواهد دیگری را درک کند.
مردم صلح آمیز اینگونه زندگی نمی‌کنند.
افراد صلح‌جو چه درک شده باشند چه نباشند به دنبال آرامش هستند.
این نگرش جدیدی است که ما به عنوان فرزندان مبارک خداوند به آن نیاز داریم.
اگر می‌خواهیم خداوند را یک صدا پرستش کنیم، به این نیاز داریم.
و فقط پدر، پسر و روح القدس می‌توانند به ما در انجام این کار کمک کنند.

بیایید دعا کنیم که صلح طلب باشیم.
پدر، پسر و روح القدس، ما از شما برای کار آشتی که در مسیح انجام شد سپاسگزاریم.
ما از شما سپاسگزاریم که به عنوان مردمی که با کار مسیح روی صلیب نجات یافته‌اند، امروز می‌توانیم اینجا جمع شویم.
خداوند، ما دعا می‌کنیم که حتی در شرایط سخت به دنبال صلح با یکدیگر باشیم.
ما دعا می‌کنیم که صلحی را که مسیح برای ما به وجود آورده است، برای گمشدگان هر کجا که ما را قرار دهید، اعلام کنیم.
لطفاً، ما را به عنوان همشهریان در کلیسای خود متحد نگه دارید.

به ما کمک می کند که در حین انجام این کار به روح القدس تکیه کنیم زیرا به تنهایی شکست خواهیم خورد.
و به نام پدر و پسر و روح القدس است که دعا می کنیم، آمین!

One Voice Fellowship 